فهرست‌نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه / مکارم شیرازی؛ با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان. - قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع) - ۱۳۹۰.

ج. (دوره) ISBN: 978-964-533-044-1

ISBN: 978-964-533-160-1

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه.

ج. ۱۳ (چاپ اول: ۱۳۹۰)

۱. علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- نهج البلاغه -- نقد و تفسیر. ۲. علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- گفتار حکیمانه. ۳. علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- کلمات قصار. الف. علی بن ابی‌طالب(ع) امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. ب. عنوان. ج. عنوان: نهج‌البلاغه. شرح. د. عنوان: شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه.

BP۳۸/۰۲/ ۹پ ۷م ۲۹۷/۹۵۱۵

با همکاری دانشمندان محترم حجج اسلام آقایان:
محمّدرضا آشتیانی - محمّدجواد ارسطا - سعید داودی - احمد قدسی و سید عبدالمهدی توکل

ناشر برتر
نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام / ج ۱۳

تألیف: **آیة الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران**
تیراژ: **۵۰۰۰ نسخه**
نوبت چاپ: **اوّل**
صفحه و قطع: **۸۲۳ صفحه / وزیری**
تاریخ انتشار: **۱۳۹۰**
چاپخانه: **سلیمانزاده**
ناشر: **انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع)**
شابک: ۱-۱۶۰-۵۳۳-۹۶۴-۹۷۸



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵
تلفن: ۷۷۳۲۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹
www.imamalipub.ir
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

۱۴۹

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ.

امام علیه السلام فرمود:

آن کس که قدر خود را نشناسد هلاک می شود. [1]

---

۱. **سند گفتار حکیمانه:**
مرحوم خطیب در کتاب مصادر نهج‌البلاغه از شیخ صدوق در کتاب خصال چنین نقل می کند که عامر شعبی ـ از علمای معروف اهل سنت که او را از تابعین و فقهای معروفشان شمردند ـ (وفات او در سال ۱۰۴ هجری واقع شده است) می‌گوید امیرمؤمنان علی علیه السلام نه جمله ارتجالاً (بدون مطالعه قبلی) بیان فرمود که چشم بلاغت را خیره ساخت و گوهرهای حکمت را کم ارزش نمود و همه را از رسیدن به یکی از آنها باز داشت. سه جمله در مناجات است و سه جمله از آنها در حکمت و سه جمله در ادب. اما آن سه جمله ای که در مناجات وارد شده این است که فرمود: «**كَفَى بِي عِزّاً أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْداً**» و «**كَفَى بِي فَخْراً أَنْ تَكُونَ لِي رَبّاً**» و «**أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ**؛ این عزت برای من بس است که بنده تو باشم و این افتخار برای من کافی است که تو پروردگار من باشی تو آن‌گونه هستی که من دوست دارم و مرا چنان قرار ده که تو دوست داری».
سه جمله‌ای که در حکمت از آن حضرت نقل شده این است: «**قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ**» و «**مَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ**» و «**الْمَرْءُ مَخْبُوٌّ تَحْتَ لِسَانِهِ**؛ ارزش هر کس به اندازۀ کاری است که به خوبی از عهدۀ آن بر می آید و آن کس که قدر و مقام خود را بشناسد هرگز هلاک نمی شود و انسان در زیر زبانش نهفته شده است».
اما آن سه جمله نقل شده در ادب این است: «**امْنُنْ عَلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ**» و «**احْتَجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ**» و «**اسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ**؛ به هر کس می خواهی نعمت ببخش تا امیرش باشی ←

← و دست حاجت به هر کس می خواهی دراز کن تا اسیرش شوی و از هر که مـی‌خواهـی بـی‌نیاز شـو تـا نظیرش باشی».

نویسندهٔ کتاب مصادر بعد از ذکر این کلام شعبی می‌گوید: از جاحظ (مرد فصیح و بلیغ مشهور) نقل شده که گفته است هیچ سخنی بعد از کلام خداوند و کلام رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله از کسی صادر نشد مگر این‌که من به معارضهٔ با آن برخاستم مگر کلماتی از امیرمؤمنان علی عليه‌السلام که من قادر به معارضهٔ با آن نشدم آن کلمات چنین است: «**ما هَلَكَ امْرَءٌ عَرَفَ قَدْرَهُ**» و جملهٔ «**الْمَرُء عَدُوٌّ ما جَهِلَ**» و جملهٔ «**اسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظيرُه...**». (مصادر نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۱۳۰).

شرح و تفسیر

به حدّ خود قانع باش!

امام عليه السلام در این کلام نورانی کوتاه و پرمعنایش به افرادی که از حدّ خود تجاوز می‌کنند هشدار می دهد می فرماید: «آن کسی که قدر خود را نشناسد هلاک می‌شود»؛ (**هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ**).

می‌دانیم یکی از عمیق ترین غرایز انسان، دوست داشتن خویشتن است وبسیار می‌شود که بر اثر آن انسان قدر و منزلت خود را گم می‌کند جنبه‌های مثبت خویش را بسیار بیش از آنچه هست می‌پندارد و حتی گاهی جنبه‌های منفی خود را مثبت می‌انگارد. به همین دلیل بر جای خود تکیه نمی‌کند، بلکه خود را در جایی قرار می‌دهد که شایسته آن نیست و در آنجا گاه سخنانی می‌گوید که دین و دنیای او را بر باد می‌دهد، آبروی او را می‌ریزد، سرچشمهٔ مفاسدی در جامعه می‌شود که نتیجهٔ همهٔ آنها هلاکت معنوی و مادّی است.

مثلاً کسی چند صباحی آموزش علوم دین را دیده و هنوز به مقام اجتهاد نرسیده خود را مجتهدی اعلم بداند و به استنباط احکام بنشیند و احکامی را آمیخته با اشتباهات فراوان برای این و آن بازگو کند و عبادات و معاملات آنها را ضایع سازد، چنین شخصی که قدر خود را نشناخته به یقین مسئولیت سنگینی را در قیامت خواهد داشت.

یا شخصی چند کتاب طبی را مطالعه کرده، ناگهان براثر خودبزر بینی

خویش را طبیبی حاذق و لایق بپندارد و دستورات طبی صادر کند که باعث خطر جانی برای گروهی شود، او به یقین دنیا و آخرت خود را تباه ساخته است.

شاهد این تفسیر، جملهٔ معروفی است که در افواه دانشمندان شهرت یافته «**رَحِمَ اللّهُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَلَمْ يَتَجاوَزْ حَدَّهُ**؛ خدا رحمت کند کسی را که قدر و منزلت خویش را بشناسد و از حدّ خود تجاوز نکند».

شاهد دیگر بر این تفسیر همان چیزی است که در خطبهٔ ۱۶ نهج‌البلاغه گذشت: «**هَلَكَ مَنِ ادَّعَىٰ، وَخٰابَ مَنِ افْتَرىٰ، مَنْ أَبْدَىٰ صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ وَكَفَىٰ بِالْمَرْءِ جَهْلاً أَلّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ**؛ آن کس که به ناحق ادعایی کند هلاک می شود و آن کس که با دروغ و افترا مقامی را طلب کند محروم می گردد و به جایی نمی رسد و آن کس که (با ادّعاهای باطل) به مبارزه با حق برخیزد و در برابر آن قد علم کند هلاک خواهد شد و در نادانی انسان همین بس که قدر خویش را نشناسد».

ولی همان‌گونه که در ذیل خطبهٔ ۱۰۳ گذشت[1] این جمله تفسیر دیگری نیز می تواند داشته باشد که انسان به موهبت الهی قدر و مقام والایی دارد و جِرم صغیری است که عالم کبیر در آن خلاصه شده است حتی می‌تواند از فرشتگان آسمان بالاتر رود. آری چنین است مقام آدمیت، بنابراین اگر مقام خود را درست نشناسد و شخصیت خویش را با درهم و دینار و مقامی معاوضه کند و در هوا و هوس‌ها و شهوات غوطه ور شود و از رسیدن به مقام قرب الهی باز ماند خود را هلاک کرده است، چرا که قدر خود را نشناخته است.

با توجه به آنچه گذشت و تبادر عمومی دانشمندان از این حدیث معنای اوّل مناسب‌تر به نظر می‌رسد، هرچند در بعضی از روایات نیز تعبیراتی است که معنای دوم را تداعی می‌کند؛ مانند آنچه در کلام دیگری از امام امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که می فرماید: «**مَنْ حَصَّنَ شَهْوَتَهُ فَقَدْ صانَ قَدْرَه**»[2] هرچند جمع میان

۱. در عبارت: «العٰالِمُ مَنْ عَلِمَ قَدْرُهُ».
۲. کافی، ج ۸، ص ۲۲، خطبهٔ وسیله.

دو معنا نیز ممکن است که از یک سو نگاه به معنای اول کند و از سویی دیگر نگاه به معنای دوم.

❊ ❊ ❊